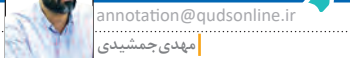




یادداشت



کرونا و خویشتن فرهنگی

جامعه‌ایرانی

مهدی جمشیدی، عضو هیئت علمی گروه فرهنگ‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در یادداشتی به تأثیر کرونا بر خویشتن فرهنگی جامعه ایرانی پرداخته‌است که در ادامه آن را می‌خوانید.

از جمله راه‌های شناخت «باطن جامعه» و پی‌بردن به «واقعیت‌های پنهان و نهفته آن» مطالعه جامعه در «وضع مرضی و نابسامانی» شده و پرازی از نظم‌ها و قواعد جاری، سست شده‌اند و در نتیجه، تا حدی از حالت «تعادل» و «نیات» خارج شده‌است. در این حال است که مشاهده و مطالعه «همودهای عینی» و «جلیلیات ظاهری» می‌توانند به‌روشنی، بیانگر «روندها و حقیقت‌های درونی جامعه» باشند. به‌عبارت‌دیگر، همین که جامعه دچار «بحران» و «آشوب» می‌شود، آنچه را در «وضع طبیعی و عسادی» در درون خویش نهفته دارد، بیرون می‌ریزد و «ضمیر ناخودآگاه» خویش را آشکار می‌سازد. بیماری فراگیر و جان‌گیر کرونا چنین فرصتی را فراهم کرد و در «عمل» و «عالم عین» نشان داد که جامعه ایران چه اندازه به ارزش‌های دینی «وفادار» و «دلستانه» است.

به‌طور متقابل، فرهنگ و تمدن غربی نیز محصول اجتماعی و عینی خودش را در ماجرای بیماری کرونا نشان داد که بر دست‌اندراری به حقوق دیگران و ظلم و تجاوز و خشونت دلالت داشت. رفتارهای برخی از جوامع غربی، نتیجه منطقی و طبیعی «فلسفه فردگرای» و «فلسفه مادی‌گری‌وبی‌خدایی» (و البته اگر اعتقادی هم به خدا هستند، آن اعتقاد توحیدی صحیح عمیق معرفت‌زانیست) پس در غرب، روح خوشگیری وجود دارد که با ظاهر آراسته و ادکلن‌زده و کراوات‌پسته‌اش منافاتی ندارد (ایتالله خامنه‌ای، در سخنرانی تلویزیونی، ۲۱ فروردین ۱۳۹۹).

عالم «جدید غربی» عالم اخلاق و معنویت و ستودن فضیلت‌های عالی انسانی نیست، بلکه معدوم این عالم به‌سوی «فقر» و «خودپرستی» و «بهرهمندی فرهنگ‌پشت از لذت‌های مادی» است. ازاین‌رو، انسان معاصر غربی که ساختارپرداخته همین «بیش» و «نظام معنایی» است، چنین خویشتن و هویتی دارد و جز در این جهت فاعلی بر نمی‌دارد. این وضع در جامعه غربی، وضع «رسمی» و «غالب» است، هر چند واقع است همگان در مغرب‌زمین، چنین سلوک و رویه‌ای ندارند و از اخلاق و انسانیت، دور نشده‌اند. این موقعیت نشان می‌دهد چگونه «فلسفه‌های غربی» در «بندگی روزمره انسان‌های غربی» اثر نهاده و آن‌ها را گرفتار دشواری‌ها و مصائب جامعه‌ساز کرده‌است. پس «تمدنی‌گر» و غفلت و خویش‌مرکزبینی انسان غربی» ریشه در «تجوژی‌های این‌جهانی و مادیانه‌پشانه فلسفه‌های غربی» دارد و این فلسفه‌های غربی هستند که باید به محکمه‌دآوری عقل و وجدان انسانی خوانده شوند و پاسخگوی واقعیت‌های اجتماعی تلخ و ناموجه کنونی شوند.

در مقابل، فاب‌آوری و خویشتن‌داری جامعه ایران، ریشه در هویت دینی عمیق آن دارد، چنان‌که در روایات اسلامی آمده‌است مؤمنان راستین، چنانند که سختی و دشواری آن‌ها را از یاد نمی‌آورد و عقب نمی‌آند، چراکه می‌توانند گرفتاری‌ها و ابتلاات را در خویش هضم کنند و آن‌ها را به حکمت‌لهی ارجاع دهند. لَهمْ لَهمْ تُرُتُّمُ اَتَّقِسْمُهمْ مِنْهُمُ فی الْآلَمَةِ کَالْمَیِّیِ تُرُتُّمُ فی الْاَرْضِ؛ هم‌اکنون نیز، میلیون‌ها انسان زیر فشار ظلم دشمنی‌های قدرتمندان، رنج می‌برند؛ چه در یمن، چه در فلسطین و چه در بسیاری از نقاط دیگر جهان (ایتالله خامنه‌ای، در سخنرانی تلویزیونی، ۲۱ فروردین ۱۳۹۹).

بزرگنمایی‌های رسانه‌ای و مبالغه‌های تبلیغاتی، ما را از «واقعیت‌ها» دور می‌کنند و «تصورهای آبرونه‌ای» از آنچه می‌گذرد، پیش روی ما می‌گذارند، به‌خصوص از این جهت که معدودترین رسانه‌های جهانی، در اختیار سرمایه‌سازان صهیونیست می‌برز و قدرتمند است و جهان، آن‌گونه که منافع آن‌ها اقتضا می‌کند، به توده‌های مردم نمایشده می‌شود. چه‌سایان این دلیل «تصورسازان‌ها» به این دلیل باشد که ذهنیت مردم جهان به سمت‌وسویی کشیده شود که آن‌ها بافته و ساخته‌اند تا «مسئله‌های اصلی و ماندگار» به حاشیه سوق داده شوندند و پرسش‌ها و دغدغه‌های معطوف به آن‌ها خاموش گردند. باید بر فراز اینچنین خدمه‌هایی نشست و عقل و منطقی خویش را در برابر الفاها و تلقین‌های رسانه‌ای، غیرعقل و منقاد نکرد و به‌طور مستقل، پشت‌پرده را دید و شناخت.

روزنامه صبح ایران

www.qudsonline.ir

پنجشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۲۹ شعبان ۱۴۴۱ | ۲۳ آوریل ۲۰۲۰ | سال سی و سوم | شماره ۹۲۲۸

ایرانیت هیچ منافاتی با آموزه‌های دینی و تشیع ندارد؛ مهر: غلام‌رضا دکانی، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، در نشست خبری فعالیت‌های دوران مسئولیت خود گفت: من نه تنها هیچ تعارضی بین ملیت و ایرانیت و مذهب و تشیع نمی‌بینم، بلکه این دو را کاملاً مکمل همدیگر می‌بینم. در طول تاریخ هیچ وقت بین ملیت ایرانی و دین اسلام و مذهب تشیع، تفرای نبوده و هر وقت کمک و مساعدت بوده، هر دو پیشرفت کرده‌اند، اما هر گاه به هر دلیلی، تعارض بین این دو غلبه خورد، یعنی هم ملیت و هم مذهب ما لطمه خورده‌است.

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام مجتبی نامخواه درباره اهمیت مواسات در این روزها

کرونا به نابرابری دامن نزد، تنها آن را نشان داد



حاشیه

جناب نامخواه به نظر می‌رسد

مهم‌ترین تأثیر کرونا در سطح اجتماع، نشان دادن و به رخ کشیدن حجم نابرابری و فرصت بقا برای انسان‌ها بود؟

واقعیت این‌طور است که ویروس کرونا و تغییراتی که نظم اجتماعی به‌واسطه آن به‌وجود آورده، فرصتی برای شناسخت ما از جامعه ایجاد کرده‌است. اصولاً تغییرات اجتماعی در دانش کلاسیک یا جدید اجتماعی، محلی برای شناخت جامعه بوده‌است. مثلاً فارابی این را فضیلت فکری می‌داند که کسی تغییرات را در مدت کوتاه تشخیص دهد و در علم اجتماعی جدید نیز مسئله تغییر به شدت مورد توجه قرار گرفته‌است.

تغییرات در نظم و مناسبات اجتماعی حداقل زمانی که نسلی نیاز دارند و تحول نیز در جامعه‌شناسی معمولاً در بازه چند نسلی اتفاق می‌افتد. بسیاری از تغییراتی که زمان عادی و برای یک نسل لازم بود الآن و در شرایط فعلی در بازه دوماهه اتفاق افتاد و فرصت بی‌نظیری را برای شناخت جامعه و شناختی از جامعه رسیدیم که در شرایط عادی باز طولانی‌تری را می‌طلبد. به تعبیری این بیماری یک آینه بود که به بیان بول «در دل آینه‌های غبار طبع مظلومان می‌اش» ابایت را شگفت‌انگیز برد کانداز «نیست» کرونا در مقابل‌ه مستضعفان گرفته‌شد و همه نابرابری را نشان داد. یعنی در درجه اول، کرونا به نابرابری دامن نزد بلکه تنها وضعیت نابرابر موجود را نشان داد. به‌سه‌نظم می‌توان به‌سه‌کرونا به عنوان فرصتی برای شناخت جامعه و نابرابری‌های درون آن نگاه کرد. حداقل این واقعیت است که بخش‌هایی از جامعه و رویکرد در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری راقع می‌کند که نابرابری برای همه هزینه دارد.

زمان عادی و برای یک نسل لازم بود الآن و در شرایط فعلی در بازه دوماهه اتفاق افتاد و فرصت بی‌نظیری را برای شناخت جامعه و شناختی از جامعه رسیدیم که در شرایط عادی باز طولانی‌تری را می‌طلبد. به تعبیری این بیماری یک آینه بود که به بیان بول «در دل آینه‌های غبار طبع مظلومان می‌اش» ابایت را شگفت‌انگیز برد کانداز «نیست» کرونا در مقابل‌ه مستضعفان گرفته‌شد و همه نابرابری را نشان داد. یعنی در درجه اول، کرونا به نابرابری دامن نزد بلکه تنها وضعیت نابرابر موجود را نشان داد. به‌سه‌نظم می‌توان به‌سه‌کرونا به عنوان فرصتی برای شناخت جامعه و نابرابری‌های درون آن نگاه کرد. حداقل این واقعیت است که بخش‌هایی از جامعه و رویکرد در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری راقع می‌کند که نابرابری برای همه هزینه دارد.

آیا داوران پساکرونا با پاکرونا می‌تواند

ما را به سمت جامعه‌ای عادلانه‌تر سوق دهد و باید منتظر پایان سرمایه‌داری

اندیشه

Info@qudsonline.ir

ایرانیت هیچ منافاتی با آموزه‌های دینی و تشیع ندارد؛ مهر: غلام‌رضا دکانی، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، در نشست خبری فعالیت‌های دوران مسئولیت خود گفت: من نه تنها هیچ تعارضی بین ملیت و ایرانیت و مذهب و تشیع نمی‌بینم، بلکه این دو را کاملاً مکمل همدیگر می‌بینم. در طول تاریخ هیچ وقت بین ملیت ایرانی و دین اسلام و مذهب تشیع، تفرای نبوده و هر وقت کمک و مساعدت بوده، هر دو پیشرفت کرده‌اند، اما هر گاه به هر دلیلی، تعارض بین این دو غلبه خورد، یعنی هم ملیت و هم مذهب ما لطمه خورده‌است.

اندیشه / فاطمی‌نژاد نابرابری بحثی

است که امروزه در جهان در حاشیه ویروس کرونا مطرح می‌شود. موضوعی که حتی ستون‌نویسان مجله‌های خارجی نیز به شدت روی آن مانور می‌دهند و مثلاً فاصله اجتماعی را نه یک فرصت برابر برای بقا بلکه یک امتیاز ویژه برای گروه‌های برخوردارتر می‌خوانند. در کنار همه این‌ها کیلدوازهایی چون طبقه، نژاد و کار و تحصیل بسیار به بحث گذاشته می‌شوند و جالب‌ترین نکته، هم‌رسوئی انسان‌ها از مکزیکوسیتی تا دلهی نو تا میشیگان و شبکاگو و حتی سیستان و بلوچستان خودمان است. آنچه در ادامه می‌خوانید مصاحبه ما با حجت‌الاسلام دکتر مجتبی نامخواه، استاد حوزه و پژوهشگر پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلام باقرالعلوم در همین زمینه‌است.

حاشیه

جناب نامخواه به نظر می‌رسد

مهم‌ترین تأثیر کرونا در سطح اجتماع، نشان دادن و به رخ کشیدن حجم نابرابری و فرصت بقا برای انسان‌ها بود؟

محور نگاه ما و هسته مرکزی نظام ارزشی ما مقوله مساوات و عدالت است و هر چه در این میان در حوزه اجتماعی روی می‌دهد زمانی اتفاق مثبت تلقی می‌شود که ربطی به ارزش مرکزی یعنی عدالت داشته باشد. نمونه‌اش مفهوم مواسات که به معنای این است که در اثر نابرابری در جامعه یک عده‌ای نیازمند شده باشند. در نگاه توحیدی و اسلامی ریشه نیازمند در جامعه نابرابری است. یعنی اگر عدالت وجود داشته باشد، بی‌نیازی است. نه به این معنا که همه به اندازه برابر و مساوی دارند ولی نیازمندی محصول بی‌عدالتی است. حال اگر حرکت اجتماعی مثبت و رو به جلو باشد اگر ارزشی در جامعه بخواید تبلور پیدا کند، آن حرکت باید مستثانه دال مرکزی و ارزش اصلی باشد که این ارزش عدالت است. مواسات یعنی اگر در جامعه نابرابری هست که منجر به ایجاد نیازمندی شده، شما برای برپایی مساوات باید تلاش کنید به کسانی که در برابر این نابرابری نیازمند شده‌اند کمک کنید. یعنی هم برای عدالت و هم برای خدمت تلاش کرد و تلاش

آموزش همگانی و رایگان برای مردم رقم زدیم؟

باید این‌گونه برسید که چرا حجم بالای نابرابری که پیش از انقلاب با آن مواجه بودیم از بین نرفت. واقعیت این است که ما با دو مسئله مواجهیم، نخست اینکه نابرابری وجود دارد و مسئله دیگر رشد نابرابری است. مثلاً فاصله هزینه‌های دکم پایین و بالای جامعه در حوزه آموزش و هزینه‌های ضروری در ابتدای ۹۵ تا ۹۶ یکباره پیش از ۱۰ برابر افزوده شد. اینجا سرعت بالا در شکل‌گیری آن نابرابری برای ما مسئله‌است، نه صرفاً خود نابرابری در چنین شرایطی از حمایت‌های فائزتری صحبت می‌کنیم، مثلاً طرح حمایتی که این خودش زمینه‌ساز آسیب‌های دیگری شد که در ادامه آن‌ها را جمع کردیم. از ایلکیمت شادی صحبت می‌کنید که بناسات آموزش را تسهیل کند ولی عملاً افراد زبسی‌ای را از دایره آموزش خارج می‌کند. این نشان‌دهنده این است که شکاف فکری – زیر-پیرامونی که دائم دارد نابرابری را دامن می‌زند در دل مرزهای آهنین مرکز-زاد فقر می‌کند. این فقط در دوره کرونا نیست ولی در دوره کرونا این آینه بیشتر نشان می‌دهد تصمیمات مرکز-پایه که شکاف مرکز-پیرامون در آن فعال است، دارد نظم اجتماعی ما را از بین برده و به‌سه نابرابری دامن می‌زند و آن را تشدید می‌کند. مسئله‌ای بود که نشان داد تصمیم‌های در مرکز –پیرامون چقدر ناکارآمد و در تغییر وضعیت ضعیف هستند.

تلفات کرونا به ۱۰۰ هزارم جمعیت جهان نیز نرسیده‌است. هرچند همین میزان کشته‌ت نیز برای جهان تکان‌دهنده است، ولی این حرف‌ها که چقدر نظم اجتماعی به‌واسطه کرونا تغییرات عمده‌ای داشته باشد، چنین شاعرانه دارد و باید با احتیاط بیشتری در مورد این جهان حرف زد. بسته به اینکه به چه میزان بتوانیم تجربیات فعلی خودمان را تبدیل به مضمون و مفهوم کنیم می‌توانیم منتظر تغییر در وضعیت پساکرونایی باشیم. اگر ما بتوانیم دولت به معنای حاکمیت را وارد کنیم که وظیفه‌ای در قبال ارائه خدمات عمومی داری که نمی‌توانی بسیاری از آن را به‌بخش خصوصی بفروشی، اگر همین یک بابو را به ساختار حاکمیت بقبولیم که در اعطای حقوق مسئولیت‌داری که نمی‌توانی از آن پا پس بکشی، تجربه کرونا می‌تواند ما را به سمت جامعه‌ای با نابرابری کمتر پیش ببرد.

تلفات کرونا به ۱۰۰ هزارم جمعیت جهان نیز نرسیده‌است. هرچند همین میزان کشته‌ت نیز برای جهان تکان‌دهنده است، ولی این حرف‌ها که چقدر نظم اجتماعی به‌واسطه کرونا تغییرات عمده‌ای داشته باشد، چنین شاعرانه دارد و باید با احتیاط بیشتری در مورد این جهان حرف زد. بسته به اینکه به چه میزان بتوانیم تجربیات فعلی خودمان را تبدیل به مضمون و مفهوم کنیم می‌توانیم منتظر تغییر در وضعیت پساکرونایی باشیم. اگر ما بتوانیم دولت به معنای حاکمیت را وارد کنیم که وظیفه‌ای در قبال ارائه خدمات عمومی داری که نمی‌توانی بسیاری از آن را به‌بخش خصوصی بفروشی، اگر همین یک بابو را به ساختار حاکمیت بقبولیم که در اعطای حقوق مسئولیت‌داری که نمی‌توانی از آن پا پس بکشی، تجربه کرونا می‌تواند ما را به سمت جامعه‌ای با نابرابری کمتر پیش ببرد.

گزارشی منتشر شد که نشان می‌داد تنها ۶ درصد بچه‌های سیستم در ایلکیشن شاد آموزش و پرورش ثبت‌نام کرده‌اند. یعنی بحث‌هایی که حول مسائل عدالت آموزشی تاکنون جسته و گریخته به آن‌ها پرداخته می‌شد الآن می‌بینیم که در راه حل‌های سازمان‌ها و نهادهای رسمی خودش را به وضوح نشان می‌دهد. چطور شد که ما این میزان وضعیت را پس از چهاردهه در بحث

گزارشی منتشر شد که نشان می‌داد تنها ۶ درصد بچه‌های سیستم در ایلکیشن شاد آموزش و پرورش ثبت‌نام کرده‌اند. یعنی بحث‌هایی که حول مسائل عدالت آموزشی تاکنون جسته و گریخته به آن‌ها پرداخته می‌شد الآن می‌بینیم که در راه حل‌های سازمان‌ها و نهادهای رسمی خودش را به وضوح نشان می‌دهد. چطور شد که ما این میزان وضعیت را پس از چهاردهه در بحث

معرفی کتاب

کتاب «شکاف‌های اجتماعی در ایران» منتشر شد

اینا: کتاب «شکاف‌های اجتماعی در ایران» که مستمنل بر ۶ مقاله تحقیقی است، از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شد.

«زنان و مسئله حقوق شهروندی در ایران» (فاطمه صادقی)، «عوامل تکوین و تعمیق نابرابری‌های طبقاتی در ایران» (محمد مالجو)، «آتش زیر خاکستر: شکاف‌های طبقاتی و پس‌لرزه‌های آن» (حسام سلامت)، «تکوین شکاف تحصیلی در ایران» (فروزان افشار)، «صورت‌بندی شکاف نسلی در علوم اجتماعی ایرانی» (آرش حیدری) و «فرهنگ رسمی و فرهنگ عمومی؛ هم‌نوایی‌ها و ناهم‌نوایی‌ها» (محمد روزخوش) عناوین ۶ مقاله این کتاب هستند که زیر نظر محمد روزخوش تدوین شده‌است.

فاطمه صادقی در مقاله نخست «زنان و مسئله حقوق شهروندی در ایران» نابرابری جنسیتی را بر بستر حقوق شهروندی زنان (آزادی بیان و عقیده، حق انتخاب‌کردن و انتخاب شدن، حق اشتغال، حق آموزش، حق برخورداری از دادخواهی عادلانه و…) می‌نشاند و دست‌اندازش را بررسی می‌کند. محمد مالجو نیز در مقاله «عوامل تکوین و تعمیق نابرابری‌های طبقاتی در ایران» می‌کوشد الگویی تحلیلی برای تبیین «ضربانگ میزان نابرابری‌های طبقاتی در ایران در سال‌های پس از جنگ هشت‌ساله» ارائه دهد.

مقاله سوم «آتش زیر خاکستر: شکاف‌های طبقاتی و پس‌لرزه‌های آن» نوشته حسام سلامت، در پیوند مستعد مشروعبت‌زادبا از گنگتمان مسلط است، اما این استدلال زمانی نابرابری درآمدی و موقعیت‌های شغلی بی می‌گیرد. نویسنده، معیار تعیین جایگاه طبقاتی افراد را سه‌گانه‌اشناسی «مالکیت»، «مهارت، تخصص و دانش» و «قدرت سازمانی» قرار می‌دهد و ملهم از اریک اولین راتر، ۱۲ مقوله را در «ساختار طبقاتی» ایران‌بازمی‌شناسد.

فروزان افشار در مقاله چهارم «تکوین شکاف تحصیلی در ایران» درصدد است نشان دهد «تحصیلات تاچه اندازه و به‌واسطه کدام سازوکارها، فرهنگ و آگاهی ایرانی‌ها را متأثر ساخته‌است» و پیش از آن، در پی شرح این موضوع است که «شکاف تحصیلی» چه دلالت‌های سیاسی و اجتماعی در فرهنگ دارد.

مقاله صورت‌بندی شکاف نسلی در علوم اجتماعی در فرهنگ ایرانی» نوشته آرش حیدری دو جهت‌گیری تحلیلی عمده دارد. اول، باصل ایده «شکاف نسلی» در گیر می‌شود و دوم، نقدش از ایده شکاف نسلی را از طریق نقد «نظام دانش» و به‌ویژه علوم اجتماعی ایران پی می‌گیرد.

و در نهایت، محمد روزخوش با مقاله «فرهنگ عمومی و فرهنگ رسمی؛ هم‌نوایی‌ها و ناهم‌نوایی‌ها» می‌کوشد فراتر از ایده بارها تکرارشده تقابل میان فرهنگ رسمی و فرهنگ عمومی به مسئله بنگرد.

مقاله تذکر می‌دهد که به لحاظ نظری «فاصله میان فرهنگ عمومی و فرهنگ رسمی به‌شکل بالقوه مستعد مشروعبت‌زادبا از گنگتمان مسلط است، اما این استدلال زمانی فعلیت می‌یابد که افراد به میزانی به این شکاف و فاصله آگاهی یابند و این خودآگاهی خصلتی هویتی بیابد. مقاله یاد شده نه فقط منتقد ایده رایج درباره ابتئای «طبیعی» ایدئولوژی رسمی بر فرهنگ عمومی و نگرش‌ها و کردارهای اجتماعی است، بلکه اساساً تصور رایج درباره نقش و کارکردهای ایدئولوژی را هم گزارفه می‌شمسارد. در نهایت، استدلال مقاله این است که «شکاف فرهنگی» یگانه عنصر یا مهم‌ترین مؤلفه برساننده مناقشات اجتماعی فعلی نیست، مسئله از دل بن‌بست‌های کنونی پروژه‌های اجتماعی سیاسی بیرون زده‌است.

کتاب «شکاف‌های اجتماعی در ایران» ۳۲۰ صفحه و با بهای ۳۰ هزار تومان از سوی انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وارد بازار نشر شده‌است.

دیده‌ها

انسان مدرن نگاهی کالایی به هستی دارد

اندیشه: متن زیر یادداشتی از سیدمهدی نامعی قره باغ، پژوهشگر فلسفه است که در ادامه آن را می‌خوانید.

ماجرای کشتار میلیون‌ها سوجه در صنایع طیور کشور، حداقل این خبر را داشت که عده‌ای مطمئن شوند در صنعت دام و طیور چه می‌گذرد. اعتراف صادقانه

برخی از صاحبان این صنعت مبنی بر اینک‌ه این کشتار یک رویه است، برای بسیاری تکان‌دهنده بود. در واقع کشتار جوجه‌ها، چنان‌که می‌گویند بیشتر برای تنظیم بازار و در صورت عدم نیاز، گاهی برای مبدل کردن خود آن‌ها به غذای طیور –که گفته می‌شود باز هم به صورت زنده زنده خرچ می‌شوند- صورت می‌پذیرد. این اتفاق موارد مشابه آن در کارخانه‌های تولید گوشت از طیور، گاو و خوک یک امر کاملاً متداول و عادی است. تنها تلاش می‌شود تا جایی که ممکن است از این اقدام‌ها فیلم یا عکس تهیه و اخیر مربوط به آن برجسته نشود.

به‌اصطلاح مدافعان حیوانات، با برجسته کردن آموزه عدم استفاده از گوشت –آموزهای که هیچ‌گاه انسان به آن گوش نخواهد داد، زیرا در تغایر با نیازهای بر ساخته اوست- عملاً مبدل به گروه‌هایی فائزتری و بی‌ثمر و بی اثر شده‌اند و در مقابل از تمرکز بر صنایع سازمان یافته انسان‌ها در تولید و مصرف گوشت صنعتی اجتناب می‌کنند.

این رویکرد که دلیل امروز به خود اجازه می‌دهد با غمض نظر از جاندار بودن حیوانات و ادراک دیدهبی آن‌ها از درد و رنج، به‌راحتی هر ساله میلیون‌ها حیوان را به شکل غیرطبیعی تولید کند، در شرایط غیرطبیعی و آزاردهنده، نگهداری و پروراکند و سپس به اشکال آزاردهنده ذبح و بقیه را داخل ماشین قتل عام بگذارد، همان ویژگی وجودی انسان جدید است که زمینه وقوع جنایت‌های سازمان یافته جنگی و نسل‌کشی‌های بزرگ زمان ماست.

یکی از دلایل ریشه‌دار شدن باور به هولوکاست نیز همین است که انسان مدرن در ضمیر خود به خوبی آگاه است که استعداد چنین جنایت‌های بزرگی را دارد و اگر نکرده باشد هم به دلیل محاسبه سود و زیان آن است، نه اینکه مانع بزرگ فکری یا اخلاقی پیش روی خود داشته باشد. این هولوکاست، هولوکاستی است و ربطی هم به ماجرای مورد ادعای هولوکاست جنگ دوم ندارد. در واقع دومی، قدرت خود را از اولی می‌گیرد. ما هولوکاست را به این دلیل باور می‌کنیم که می‌دانیم چنین اقدامی از انسان مدرن به‌رمغ آمیخته آن انسان در زمان خود در قله علم و فناوری و فلسفه باشد، امری کاملاً قابل انتظار است. در واقع انسان امروز، انسانی است که می‌تواند همه چیز را مانند کالا به تولید و مصرف انبوه برساند و هرگاه این تولید و مصرف محدودش شد، آن را معدوم سازد. این نگاه کالایی به هستی، حد یقیق ندارد و با کیفی بسط به‌راحتی به سایر جانداران و سپس به انسان هم تسری پیدا می‌کند و این اقدامی است که رخ داده است. تمام آنچه مشاهده شده، به معنای وجود ارادتی مخلوقات برای حل و فصل مشکلات روزمره انسان‌ها نیست، بلکه صرفاً تذکر بودی برای اینکه کجا هستیم و چه می‌کنیم و شاید طلب این پرسش که به کجا می‌رویم.

خبر

باید در برابر طبیعت متواضع شویم

اندیشه: سیدبیوک محمدی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مورد ویژگی‌های عصر پساکرونا به ایکتا گفت: یکی از نکات قابل توجه این است که کرونا یک مسئله استثنایی و فوق‌العاده است که بشر در این مقیاس چیزی را ندیده‌است، حتی در جنگ جهانی دوم نیز مسئله به این صورت حد نبود. در بحران‌های مختلفی که به وجود می‌آید، معمولاً قدرتمندان و ثروتمندان خیالی آسوده دارند که می‌توانند با ثروت و قدرت خود از بحران رهایی یابند، اما سنخ کرونا به گونه‌ای است که هیچ کس از آن راه فراری ندارد. این وضع هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: کرونا بیشتر شبیه یک بلای آسمانی است و اگر بهتر فکر کنیم می‌بینیم انسان می‌تواند با وجود چنین بلایی، قدری در مقابل طبیعت متواضع شود و به این مسئله پی ببرد که هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد. مولانا می‌گوید: «خشم کسی کند کی او جان و جود ما بود/ خشم مکن تو خویش را مستخره جهان مکن»، یعنی می‌خواهد بگوید که اگر

زلزله و یا بحران‌های طبیعی دیگر رخ می‌دهد، این‌ها نیز از جانب خداوند هستند. بنابراین، باید در مقابل خدا و این عظمت در طبیعت متواضع شویم، البته اگر متواضع شویم، مردم با اشاره به وضعیت جهان در روزهای آینده، تصریح کرد: پیش‌بینی ما در مورد وضعیت آینده منوط به این است که کرونا چه زمانی از بین برود. اگر در یک یا دو ماه آینده ریشه‌کن شود فقط قدری مشکلات اقتصادی برای بشر خواهد ماند و اگر نظام‌های سیاسی عادلانه عمل کنند می‌توانند این مشکلات ناشی از کرونا را حل کنند، اما اگر جریان ادامه داشته باشد و مثلاً به مدت یکسال دیگر طول بکشد، وضعیت خراب خواهد شد.